

ادامه از صفحه اول

من هنوز هم یک رای دارم

به هر روی، مردم خسته از بگومگوهای بی‌حاصل، امید به فردی بسته بودند که آن‌سان را از این دورهای باطل و فرساینده ایجادشده در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع و حتی روابط بین‌الملل خارج سازد تا آنان بتوانند بار دیگر طعم زندگی را بچشند. از دوشنبه سی‌ام اردیبهشت که شایعه عدم احراز صلاحیت آقای هاشمی بر زبان‌ها افتاد تا سه‌شنبه‌شب که موضوع به‌طور رسمی اعلام شد، گویی زمان در ایران متوقف شد و خنثاری نبود که این موضوع، مسئله گفت‌وگوی درونی‌اش نباشد. هنوز هم افراد آنچه اتفاق افتاده است را با هم مرور می‌کنند و مرتب با هم می‌گویند نمی‌شود، حتماً تجدیدنظر می‌کنند. اصلاً مگر می‌شود؟! ولی حقیقت آن است که این دل‌استی است که اتفاق افتاده است و باید واقعیت را پذیرفت. ما شهروندان اینک با یک امر واقع روبه‌رو هستیم. به ما می‌گویند که مدیریت را به مفهوم وسیع آن منظر قرار داده‌ایم، بنابراین سن و توانایی‌های جسمی نامزد شما را نیز در نظر گرفته‌ایم. افزون براین، در یک بیان گنگ، اعلام شد نامزدی که قانون اساسی را قبول نداشته باشد و مثلاً به برخی از اصول آن معتقد نباشد، نباید انتظار داشته باشد که صلاحیتش مورد پذیرش قرار گیرد. استدلال بیان‌شده، برای کسانی که از نزدیک با ایشان ارتباط دارند؛ از جمله تعدادی از اعضای شورای نگهبان و برای مردمی که شاهد فعالیت‌های روزانه وی از طریق رسانه‌ها هستند، به هیچ‌وجه قابل قبول نیست. با وجود این، از منظر سیاسی، ملت ایران با این واقعیت روبه‌روست که نام ایشان در فهرست اسامی نامزدهای رسمی قرار ندارد. آقای هاشمی هیچ اعتراض رسمی به این تصمیم نکرده و درست هم، همین است. فعلاً، پرداختن به ریشه‌های این تصمیم دردی را از ما دوا نمی‌کند، گو که باید به موقع مورد واکاوی قرار گیرد تا از تکرار آن در تاریخ ایران جلوگیری شود. بنابراین پرسش اساسی این است که اینک چه باید کرد؟ عده‌ای آشکارا در پی راندن سیاستمداران و مصلحان ملی به کوچه بی‌نت هستند، اما چه می‌توان کرد که دچار بی‌نت سیاسی نشویم؟ پاسخ نگارنده این است که باید این استراتژی در سپهر سیاسی ایران تثبیت شود که از تباط شهروندان با حاکمیت از طریق صندوق‌های انتخاباتی برقرار می‌شود و موثرترین ابزار اثر گذاری آنان بر فرآیندهای حکمروایی، بر آنان است. بنابراین قهر با صندوق رای، از گف‌دادن سرمایه سیاسی شهروندی از سر غیرت و عصیت است و نه لزوماً خرد و تدبیر. باید اندیشه‌ای چون فردیون به کار بست. او ما را از فروغلتیدن در ورطه برادر کشی برحذر داشت. به ما امید داد که جهان بر یک پاشنه نخواهد چرخید و البته به سمتی تغییر خواهد کرد که ما برانیمش. به گفته فردوسی حکیم:

یکی داستان گویم / بشنود / همان بر که کارید خود بدریود
کسی کو برادر فروشد به خاک / سزدگر نخواندش از آب پاک
جهان چون شما دید و بیند بسی / نخواهد شدن رام
با هر کسی خمدان شما را هم این روزگار / نمائد بر این گونه بس
پادلار

استواری و کارآمدی جمهوری اسلامی و سرفرازی و یکپارچگی ایران‌زمین دو هدفی هستند که هیچ‌گاه نباید از افق دید ما کتار گذاشته شوند. نگارنده بر این باور است که رای ما هنوز در دو جهت کارایی دارد: یکی رابستن بر ورود پوپولیست‌ها به قدرت و دیگری دومین انتخاب بهینه از میان نامزدهای موجود، هر چند با نامزد موردنظر ما فاصله داشته باشد. هشت سال سکنداری قدرت اجرایی توسط جریان عوام‌گرایی خیال‌پرداز ما را در این وضعیت پرتضاد و پادپایدار قرار داده است. اینک همه می‌گویند دیگر س نیست. باید کاری کرد. حد اقل کار، این است که از ادامه روند موجود با ارادمان ممانعت کنیم. هم‌زمان باید انتخابی از سر آگاهی و در ظرطنیتی که فرارویمان است انجام دهیم. لایمه انتخاب آگاهانه، نه تنها اطلاع از اندیشه کسانی است که خود را در معرض رای قرار داده‌اند، بلکه تغییر رویکردمان به امر انتخابات نیز هست. انتخابات یک قرارداد اجتماعی برای اداره کشور برای مدت چهار سال است. در این قرارداد همچون هر قرارداد دیگر، باید موضوع خمدت در آن روشن باشد. از نظر حقوقی، قرارداد معتبر است که طرفین قرارداد حق برابر داشته باشند و کسی بر دیگری چیرگی نداشته باشد. افزون بر این، شرایط قرارداد باید منصفانه باشد و نحوه نظارت مردم بر خدمتی که می‌گیرند باید آشنکار باشد. تجربه شود هر گاه عرضه‌کننده خدمت از تعهدات خود سرباز زد، باید شهروندان قدرت اعمال حاکمیت داشته باشند. قانون حاکم بر این قرارداد قانون اساسی است. در این نگاه، اگر بخت یار باشد، طلبایی را قلمی خواهم کرد. چه‌بسا عده‌ای بر این راهبرد خرده بگیرند که وقتی شرایط به گونه‌ای است که بنگاه موثرترین نامزد از گروه حق انتخاب شهروندان حذف می‌شود، دیگر با چه امیدی باید به سوی صندوق‌های رای رفت؟ این رویکرد در واقع، عدم استفاده ایرانیان از حق قانونی شان را پیشنهاد می‌کند. نقد من به این نگاه این است که جنبانداران این رویکرد ما را به آیندایی مبهم و تاریک حواله می‌دهند. نگارنده بر این باور است که اگر ضرورت داشت ما فرآیندهای انتخابات از مرحله تصمیم درباره زمان انتخابات، بنی‌تام نامزدها و بررسی صلاحیت‌ها، اخذ رای و نحوه نظارت بر آن، شمارش آرا، رسیدگی به شکایات و اعلام نتایج مورد بازنگری قرار گیرد که ضرورت دارد این امر نیز باید از طریق صندوق صورت گیرد و بهیود باید. باید اقتدر یامردی کرد تا این نتیجه رسید. وگرنه هر حرکت دیگری با نتیجه نامطلوبی همراه است که به گفته ضرورت مولاعی(ع) هر گاه دردی را بسیار کوبیدی، بهنجار بر روی تو بار خواهد شد. بههر روی، می‌خواهم با تاکید کنم که این بسیار مهم است که باور داشته باشیم که من هنوز یک رای دارم و اشتباه است اگر گمان کنیم که با رای‌ندان، رای نداده‌ایم. در عمل به رای دیگری که مقبول ما نبوده است فرصت پیروزی داده‌ایم.

شرق: مردی که با انگیزه سرفت، مسافر فرودگاه مهرآباد

را سوار خودرواش کرده و به قتل رسانده بود، بعد از سه‌ماه در جریان تحقیقات تخصصی پلیس دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ما ماموران پلیس تهران ساعت ۱۲ اسفند سال گذشته حین گشت‌زنی در بزرگراه چمران، مسیر شمال به جنوب، زیر پل مدیریت، فرد مصدومی را مشاهده کردند که به حالت بیهوش، روی زمین افتاده بود. آنها موضوع را به اورژانس اعلام کردند و فرد مصدوم به بیمارستان منتقل اما قبل از انجام هرگونه اقدامات درمانی، فوت شد و پزشکان علت مرگ او را اصابت ضربات جسم سخت به ناحیه سر تشخیص دادند.

با اعلام این خبر به پلیس آگاهی، تیم بررسی صحنه در جرم در بیمارستان حاضر شدند و تحقیقات خود را در این خصوص آغاز کردند. کارآگاهان در اولین مرحله با بازرسی لباس‌های مقتول، بلیتی را که از سوی یکی از شرکت‌های هواپیمایی صادر شده بود، یافتند و فهمیدند یکی از مدیران، نام دارد. در ادامه کارآگاهان موفق به شناسایی خانواده مقتول ۵۴ساله شدند. اعضای این خانواده در اظهارات خود به کارآگاهان توضیح دادند عباسعلی که مهندس الکترونیک و پژوهشگر وزارت دفاع بود، برای شرکت در مراسم ختم پسر بزرگ، از تهران به زاهدان رفته بود و پس از پایان مراسم، در ساعت ۲۲، یازدهم اسفند سوار بر هواپیما، مجدداً به تهران بازگشته و حتی در ساعت یک بامداد، رسیدن خود را به خانواده‌اش اطلاع داده اما پس از آن تماس‌های وی قطع و تلفن همراهش در ساعت سه بامداد خاموش شد.

کارآگاهان همچنین اطلاع پیدا کردند عباسعلی در زمان بازگشت به تهران کیفی همراه خود داشت که تمام مدارک شناسایی، کارت‌های عابر بانک، کارت‌سوخت خودرو شخصی و… را در آن نگهداری می‌کرد. این کیف مفقود و به احتمال بسیار زیاد سرفت شده بود. افسران جایی در ادامه تحقیقات از خانواده و بستگان مقتول، ضمن انجام هماهنگی‌های لازم به تحقیق از همکاران عباسعلی پرداختند و اطمینان پیدا کردند مقتول حسن شهرت داشت و هیچ‌گونه اختلاف شخصی یا مالی با کسی نداشته و این جنایت نمی‌توانسته با انگیزه خصومت و کینه‌جویی رقم خورده باشد.

در شرایطی که هیچ‌گونه سرنخی از این جنایت در دست نداشت، کارآگاهان به بررسی تصاویر به‌دست‌آمده از دوربین‌های مدار بسته تریمنال فرودگاه مهرآباد پرداختند و موفق شدند تصویر مقتول را پیدا کنند. آنها دیدند عباسعلی بعد از خروج از سالن، سوار خودرویی کرایه‌ای شد. کارآگاهان ضمن شناسایی آخرین مالک خودرو به نام «پرستو»، به تحقیق از این زن جوان پرداختند. پرستو در اظهاراتش با بیان این موضوع که چندی پیش خودرو شخصی‌اش را به صورت امانت در اختیار فردی به نام مسعود گذاشته است، به کارآگاهان گفت: «چندی پیش با پسری به نام مسعود آشنا شدم که مدعی بود پرسنل یکی از ارگان‌های حساس است و حتی چندین‌بار نیز او را با لباس و تجهیزات نظامی ملاقات کردم. چند ماه پیش، زمانی‌که مسعود برای دیدن من آمده بود، به همراهه آقای اتمیویل شخصی‌اش از من درخواست خودرو کرد و روز بعد نیز ماشین را برایم پس آورد. در موقع تحویل خودرو متوجه اثر جراحات روی دستاش شدم و علت به وجود آمدن زخم‌ها را از او پرسیدم. مسعود مدعی شد در عملیات دستگیری متهمان مجروح شده است. من نیز حرف‌هایش را باور کردم اما بعد از آن به تدریج متوجه اظهارات دروغ و همچنین انجام برخی کارهای

قتل مسافر مهرآباد با انگیزه سرقت ۲۰۰هزار تومانی

متهم ۳ماه بعد از ارتکاب جنایت دستگیر شد



متهم به قتل با پوشش مسافرکش دست به قتل زد

از دوربین‌های مدار بسته تریمنال فرودگاه مهرآباد پرداختند و موفق شدند تصویر مقتول را پیدا کنند. آنها دیدند عباسعلی بعد از خروج از سالن، سوار خودرویی کرایه‌ای شد. کارآگاهان ضمن شناسایی آخرین مالک خودرو به نام «پرستو»، به تحقیق از این زن جوان پرداختند. پرستو در اظهاراتش با بیان این موضوع که چندی پیش خودرو شخصی‌اش را به صورت امانت در اختیار فردی به نام مسعود گذاشته است، به کارآگاهان گفت: «چندی پیش با پسری به نام مسعود آشنا شدم که مدعی بود پرسنل یکی از ارگان‌های حساس است و حتی چندین‌بار نیز او را با لباس و تجهیزات نظامی ملاقات کردم. چند ماه پیش، زمانی‌که مسعود برای دیدن من آمده بود، به همراهه آقای اتمیویل شخصی‌اش از من درخواست خودرو کرد و روز بعد نیز ماشین را برایم پس آورد. در موقع تحویل خودرو متوجه اثر جراحات روی دستاش شدم و علت به وجود آمدن زخم‌ها را از او پرسیدم. مسعود مدعی شد در عملیات دستگیری متهمان مجروح شده است. من نیز حرف‌هایش را باور کردم اما بعد از آن به تدریج متوجه اظهارات دروغ و همچنین انجام برخی کارهای

مقتول، ۵۴ ساله، مهندس الکترونیک و پژوهشگر وزارت دفاع بود

اکنون در مهریلائی کرج پنهان شده است. متهم بعد از تجسس‌های گسترده چند روز قبل بازداشت و از خانه‌اش شوکر و لباس نظامی کشف شد. اما این مرد در تحقیقات مقدماتی، ارتکاب جنایت و اطلاع‌داشتن از مرگ مقتول را انکار کرد. پلیس مطمئن بود که این مرد برخلاف ادعاهایی که نزد پرستو مطرح کرده هیچ

ارتباطی با ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و نظامی ندارد و به مادمخدر شیشه نیز به شدت معتاد است.

در میان اموال کشف شده از منزل متهم یک قاب گوشی تلفن همراه وجود داشت که هیچ‌گونه تناسبی با تلفن همراه به دست آمده از میثم نداشت. به همین دلیل ماموران از خانواده مقتول دعوت کردند و قاب تلفن همراه را به آنها نشان دادند و بلافاصله خانواده مقتول اعلام کرد که قاب موبایل، متعلق به تلفن همراه عباسعلی است.

میثم که با توجه به دلایل به‌دست‌آمده چار‌های جز بیان حقیقت نداشت، به ارتکاب جنایت اعتراف و انگیزه خود را سرقت بیان کرد. متهم در اعترافش به کارآگاهان گفت: «به علت مشکلات مالی از جمله عقب‌افتادن اقساط خودرو تصمیم به سرقت گرفتم. از دوستانم شنیدم بدم افرادی که با هواپیما به تهران می‌آیند، معمول پول زیادی همراه دارند. به همین علت به‌پهانه مسافر کشی به فرودگاه مهرآباد رفتم. در ساعت یک بامداد فردی شک‌پوش و با ظاهری کاملاً آراسته را که کیف‌دستی مشک‌ی رنگی را روی دوش خود داشت، به عنوان مسافر به مقصد ازگل سوار ماشین کردم؛ در اتوبان چمران از مسیر اصلی خارج شدم و در حالی‌که ماشین در حال حرکت بود، درها را قفل کردم که با اعتراض مقتول مواجه شدم. در نزدیکی پل مدیریت، شوکر را از زیر صندلی راننده خارج کردم و با تهدید از مقتول خواستم تمامی پول‌هایش را تحویل بدهد. اما او در برابر خواسته‌ام مقاومت کرد و با یکدیگر درگیر شدیم.»

متهم به قتل افزود: «با شوکر چندین‌بار به مقتول ضربه زدم که باعث بیهوشی او شد. مقتول را در حالی‌که دیگری قادر به مقاومت نبود، به محل کشف جسد منتقل کردم و در آنجا لباس‌ها و کیف همراهش را گشتم. اما فقط مبلغ ۱۵۰ هزار تومان وجه نقد در کیف‌دستی و ۵۰۰ هزار تومان نیز در جیب لباسش پیدا کردم. در حالی‌که به دنبال پول بیشتری بودم متوجه شدم مقتول در حال بهوش آمدن است. از ترس آنکه مرا شناسایی کند، با او درگیری داشتم. چندین ضربه به سر او زدم و پس از بیهوشی وی، او را از ماشین به بیرون انداختم و متواری شدم و مدارک شناسایی وی را به همراه کیف و دستمال ناله‌انداختم.»

حوادث . سیاسی

ارتباطی با ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و نظامی ندارد و به مادمخدر شیشه نیز به شدت معتاد است.

در میان اموال کشف شده از منزل متهم یک قاب گوشی تلفن همراه وجود داشت که هیچ‌گونه تناسبی با تلفن همراه به دست آمده از میثم نداشت. به همین دلیل ماموران از خانواده مقتول دعوت کردند و قاب تلفن همراه را به آنها نشان دادند و بلافاصله خانواده مقتول اعلام کرد که قاب موبایل، متعلق به تلفن همراه عباسعلی است.

میثم که با توجه به دلایل به‌دست‌آمده چار‌های جز بیان حقیقت نداشت، به ارتکاب جنایت اعتراف و انگیزه خود را سرقت بیان کرد. متهم در اعترافش به کارآگاهان گفت: «به علت مشکلات مالی از جمله عقب‌افتادن اقساط خودرو تصمیم به سرقت گرفتم. از دوستانم شنیدم بدم افرادی که با هواپیما به تهران می‌آیند، معمول پول زیادی همراه دارند. به همین علت به‌پهانه مسافر کشی به فرودگاه مهرآباد رفتم. در ساعت یک بامداد فردی شک‌پوش و با ظاهری کاملاً آراسته را که کیف‌دستی مشک‌ی رنگی را روی دوش خود داشت، به عنوان مسافر به مقصد ازگل سوار ماشین کردم؛ در اتوبان چمران از مسیر اصلی خارج شدم و در حالی‌که ماشین در حال حرکت بود، درها را قفل کردم که با اعتراض مقتول مواجه شدم. در نزدیکی پل مدیریت، شوکر را از زیر صندلی راننده خارج کردم و با تهدید از مقتول خواستم تمامی پول‌هایش را تحویل بدهد. اما او در برابر خواسته‌ام مقاومت کرد و با یکدیگر درگیر شدیم.»

متهم به قتل افزود: «با شوکر چندین‌بار به مقتول ضربه زدم که باعث بیهوشی او شد. مقتول را در حالی‌که دیگری قادر به مقاومت نبود، به محل کشف جسد منتقل کردم و در آنجا لباس‌ها و کیف همراهش را گشتم. اما فقط مبلغ ۱۵۰ هزار تومان وجه نقد در کیف‌دستی و ۵۰۰ هزار تومان نیز در جیب لباسش پیدا کردم. در حالی‌که به دنبال پول بیشتری بودم متوجه شدم مقتول در حال بهوش آمدن است. از ترس آنکه مرا شناسایی کند، با او درگیری داشتم. چندین ضربه به سر او زدم و پس از بیهوشی وی، او را از ماشین به بیرون انداختم و متواری شدم و مدارک شناسایی وی را به همراه کیف و دستمال ناله‌انداختم.»

بنا بر این گزارش در حال حاضر تحقیقات از این متهم برای افشای سایر جرایم او در جزئیات بیشتر ادامه دارد.

سال دهم • شماره ۱۷۴۷ روزنامه

رخداد

مرگ ۵ نفر در رفسنجان بر اثر مسمومیت الکلی

● **مهر:** پنج‌نفر بر اثر مصرف نوشیدنی سمی در رفسنجان، جان خود را از دست دادند. مدیر روابطعمومی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در این رابطه اظهار کرد: ساعت سه‌بامداد پنجشنبه اولین مورد مسمومیت با نوشیدنی سمی به اورژانس بیمارستان علی‌بن‌ی‌ابطالب(ع) مراجعه کرد و مورد درمان قرار گرفت و بلافاصله مورد بعدی مراجعه کرد. دکتر حمید نجم‌الدینی افزود: به‌دلیل اینکه احتمال داده می‌شد موارد مسمومیت بیش از اینها باشد ستاد بحران شهرستان با حضور اعضا تشکیل و آمادبیش اعلام و برنامه‌ریزی منسجم انجام شد تا بتوان تلفات بحران احتمالی را به حداقل رساند. همچنین در این رابطه از طریق پیامک هشدارهایی برای شهروندان رفسنجان ارسال شد. نجم‌الدینی ادامه داد: تا قبل از ظهر پنجشنبه ۷۵ تا ۸۰ نفر به اورژانس مراجعه کردند که این‌وضع تا بعدازظهر ادامه داشت و در این زمینه تخته‌های اضافی نیز برای بیمارستان علی‌بن‌ی‌ابطالب(ع) در نظر گرفته شد. این مسؤول ادامه داد: هم‌اکنون تعدادی از افرادی که از این نوشیدنی سمی استفاده کردند در کما بسر می‌برند. تعدادی بیبانی کامل خود را از دست دادند و تعدادی نیز در حال دیالیز شدن هستند. مدیر روابطعمومی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان تصریح کرد: با توجه به اینکه ظرفیت بیمارستان علی‌بن‌ی‌ابطالب(ع) رفسنجان جوامگوی مراجعه‌کنندگان نبود با هماهنگی بیماران را به شهرستان‌های همجوار کرمان، زرنده، سیرجان و شهریارک اعزام کردیم که خوشبختانه این شهرها همکاری خوبی با ما داشتند. نجم‌الدینی با اشاره به آمادبیش مراکز درمانی و بیمارستانی شهرستان رفسنجان، افزود: در مجموع تاکنون بیش از ۲۰۰ نفر بر اثر مصرف نوشیدنی سمی در مراکز درمانی شهرستان رفسنجان و شهرستان‌های اطراف بستری شده‌اند. مدیر روابطعمومی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در پاسخ به این سوال که عامل مسمومیت چه ماده‌ای بوده است، گفت: نمونه خون این افراد به آزمایشگاه رفرنس در مرکز استان کرمان و تهران ارسال شده تا عامل مسمومیت مشخص شود. اما متخصصان با توجه به علایم از جمله تبییانی و مشکلات کلیوی برای این افراد، عامل آن را متاول می‌دانند. در همین حال دادستان رفسنجان آخرین پل‌مهر مرگ و میر ناشی از نوشیدنی سمی در رفسنجان را اینچنین اعلام کرد: نمونه علیراده اظهار کرد: تاکنون بر اثر مصرف نوشیدنی سمی در رفسنجان، مرگ پنج نفر به طور قطعی اعلام شده‌است. این‌مسؤول قضایی در پاسخ به‌سوالی مبنی بر اینکه آیا تاکنون کسی در این رابطه دستگیر شده است، گفت: تاکنون در این رابطه سه نفر مظنون دستگیر شده‌اند که تحقیقات ما هنوز ادامه دارد.

ادامه از صفحه ۳

غرضی بدون روتوش

مثل شعرون که هرچه فکر می‌کنم نتیجه اجتماعی‌اش چیست؟ متوجه نمی‌شوم و اثر بادوامی در داخل ندارد و جذب آن نمی‌شوم اما مخالفان نظام با آن آشتی دارند و می‌بینیم در آنجا اثر داشته یا کانی در باب اقتصاد نوشته شده بود که وقتی از نویسنده آن چند سال در مورد اقتصاد ایران کردم دیدم به مسایل اقتصادی ایران جواب نمی‌دهد. در فلسفه هم همینطور... و آیا این راه درست است و این کار درست است. بین مرشدی‌جان هر چیزی که به دست می‌رسد و می‌بینی مفید است را بده من بخوانم... من بیکار هستم...

❧ **اما شما گاهی زندگینامه‌های سیاسی را هم تروق می‌زنید.**

بله... اما آنها هم جز تعریف از خودشان که ما همه‌کار برای انقلاب کردیم، ندارند؛ و ما می‌خواهیم چیزی برای آینده نگذاریم و این راه درستی است.

❧ **در می‌گویند که با رسانه آشتی زندگینامه‌ای آن‌زمان که وزیر است و تلگراف بودید نشریه گل آقا معولا کاریکاتور شما را روی جلد چاپ می‌کرد، اعتراضی نمی‌کردید؟**

نه. من مرحوم صابری را از چشم‌انم بیشتر دوست داشتم و فقط یکبار اول سوره مومن را برایش خواندم و خندید و گفت: نتوان. بعد از فوت ایشان فرزندش از من حمایت طلبید و من گفتم نه بله همین که من طنز من بر شما نان می‌شود کافی است و من حلال کردم؛ من خودم را در توسعه خلاصه کرده بودم و گل آقا هم‌زدانی من و دوستم بود؛ یا علی لاریجانی هزار و ۵۰ بار عروسم من را از تلوزیون نمایش داد و تمام مشکلات کشور را بر سر من پاشید...

❧ **و الان رابطه شما با لاریجانی چطور است؟**
من فرد عادی جامعه هستم. با ایشان کاری ندارم و رابطه سیاسی با هیچکس ندارم.

❧ **شما در نشست پنجم خردادجاری گفتید که این صدسال گذشته اسلامیت نظام از بین رفته است؟**
بله.

❧ **یعنی ۳۵ سال انقلاب را هم شامل می‌شود؟**
بله. طرف صدسال گذشته هر حاکمی که دست در جیب مردم کند مسلمان نیست و این نه با جمهوریت و نه با اسلام کارش سازگاری ندارد و حرام است زیرا مال مومن مثل خوش است و دست در جیب کردن فقر اشری نیست. ❧ **آقای مهدیان: درباره برنامه هسته‌ای کشورمان بگویید، نه درباره برنامه‌نامه.**
برنامه هسته‌ای ایران فنی نیست، سیاسی است. ما رقیتم دکائی باز کردیم دو تا چیز درست کردیم و آمریکایی‌ها می‌گویند شما بمب‌اتمی می‌سازید و ما می‌گوییم نه و آنها می‌گویند قبل از اینکه بمب اتم درست کنی باید بزنیم ما می‌گوییم ببخشید! اما اجازه این کار را به شما نمی‌دهیم.